

Research in to Biography and Works of Darwish Ashraf Maraghi and the Significance of Correcting his *Divan*

Ali Pedram Mirzaei*, Ali Mohammad Poshtdar**

Leila Dehesh***

Abstract

Ashraf Maraghi is one of the unknown poets of the ninth century and is one of the contemporaries of Purbudaq and Sultan Baysanghar and his son Sultan Mohammad. The name of this poet is Hossein, and his nickname is Abu Ali, and his pseudonym is Ashraf. Many poems of this prolific poet are in different poetic forms. Among these works, we can refer to his *Divan*, *Nasr-al-Leali*, and *Khamse Ashrafieh*, the latter of which includes *Manhaj-Al Abrar*, *Riyad -Al Asheghin*, *Leyli and Majnun*, *Haft Awrang*, and *Zafarnameh*. In this paper, it was intended to introduce the existing versions of all his poems using a descriptive-analytical method along with introducing this poet. Examining the list of handwritten editions, it was found that four of Ashraf's manuscripts are available in the libraries of Hatef Effendi, Fateh, Hagia Sophia, and the British Museum. The Hatef version, written by Mahmud Khomari in 846 and which is the basic version of the current correction, includes odes, lyrics, quatrains, and refrains. Another edition, which was written in 846 AH, belongs to Fateh Library and includes the lyrics of this poet. The third edition is

* Associate Professor Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author), ali.pedram.mirzaei@gmail.com

** Associate Professor Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran, am.poshtdar@gmail.com

*** PhD student in Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran, liladehesh@gmail.com

Date received: 27/02/2021, Date of acceptance: 17/06/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۳۷۴ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۲، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

from the Hagia Sophia library. The latest version is the one available in the British Museum, edited and published by Yusuf Beg Babapour.

Keywords: Ashraf Maraghi, *Divan of Poems*, Ninth Century Poetry, Stylistic Analysis, Version Correction.

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی و ضرورت تصحیح کلیات اشعار او

علی پدram میرزایی*

علی محمد پشت‌دار**، لیلا دهش***

چکیده

اشرف مراغی از شاعران ناشناختهٔ قرن نهم و از معاصران پیربوداق و سلطان‌بایسنقر و پسرش، سلطان‌محمد، است. نام این شاعر حسین و کنیهٔ او ابوعلی و تخلص شعری‌اش اشرف است. از این شاعر پُرکار اشعار بسیاری در قالب‌های مختلف شعری برجای مانده است؛ از جملهٔ این آثار می‌توان اشاره کرد به کلیات اشعار او، منظومهٔ *نثرالاکلی*، و *خمسهٔ اشرفیه* که مشتمل است بر: ۱. *منهج‌الابرار*، ۲. *ریاض‌العاشقین*، ۳. *لیلی* و *مجنون*، ۴. *هفت‌ورنگ*، و ۵. *ظفرنامه*. در این نوشتار برآنیم به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی، علاوه‌بر معرفی این شاعر، به معرفی نسخه‌های موجود کلیات اشعار او نیز پردازیم. از بررسی فهرست نسخه‌های خطی، مشخص شد که از کلیات اشرف چهار نسخه در کتابخانه‌های حالت افندی، فاتح، ایاصوفیا، و موزهٔ بریتانیا موجود است. نسخهٔ حالت، نسخهٔ اساس این تصحیح، شامل قصاید، غزلیات، رباعیات، و یک ترجیع‌بند است و محمود خماری در ۸۴۶ق آن را تحریر کرده است. نسخهٔ دیگر مربوط به کتابخانهٔ فاتح بوده و تاریخ کتابت آن سال ۸۶۴ق و شامل غزلیات این شاعر است. نسخهٔ سوم مربوط به کتابخانهٔ

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)،

ali.pedram.mirzaei@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، am.poshtdar@gmail.com

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، liladehesh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸



ایاصوفیاست. آخرین نسخهٔ نسخهٔ موجود در موزهٔ بریتانیاست که یوسف بیگ‌باباپور آن را تصحیح و چاپ کرده است.

کلیدواژه‌ها: اشرف مراغی، تحلیل سبک‌شناسانه، تصحیح نسخه، شعر قرن نهم، کلیات اشعار.

۱. مقدمه

عصر تیموری از دوره‌های مهم تاریخ ادبیات ایران و درواقع از آخرین دوره‌های درخور توجه ادب فارسی است. این قرن

از حیث بسیاری شعرا و نویسندگانی که در خارج از ایران می‌زیسته‌اند یکی از پُرترین و غنی‌ترین ادوار تاریخی ایران به‌شمار می‌رود و حتی با دو قرن دیگر، که از این حیث امتیاز دارند، یعنی با قرن ششم و هفتم، نیز برابری می‌کند (نفیسی ۱۳۴۴: ۲۲۷).

تیمور، با همهٔ خون‌ریزی‌ها و جنایات خود، به هنر و ادبیات توجه خاصی داشت و به‌همین روی عدهٔ زیادی از اهل علم و هنر را به سمرقند فرستاد. در دورهٔ اعقاب تیمور نیز همین روش تداوم یافت؛ به‌گونه‌ای که در دوران سلطنت الغ‌بیگ و بایستقر و سلطان حسین بایقرا از اهل هنر تجلیل می‌شد و به‌همین روی سمرقند، هرات، شیراز، تبریز، و اسلامبول از مراکز رواج هنرهای گوناگون محسوب می‌شد (غلام‌رضایی ۱۳۸۷: ۲۰۶).

باوجود افزونی شمار شاعران و درخشش شاعرانی چون حافظ، خواجه‌ی کرمانی، و سلمان ساوجی، عباس اقبال بر آن است که:

بسته‌شدن مراکز عمدهٔ ادب فارسی در خراسان و عراق، فروپاشی دربارهایی که شاعران و نویسندگان را حمایت می‌کردند و مشوق آنان بودند و نیز محو رجال و یا خاندان‌های بزرگ ... دست‌به‌دست هم داد و سبب محو استادانی بزرگ هم‌چون استادان ایام کهن ادب فارسی شد ... شعر و نثر به‌دست افرادی افتاد که در اکثر مواقع از قریحه و هنری متوسط برخوردار بودند. بنابراین، شعر فارسی، همانند خود زبان فارسی، و درواقع مثل سایر شعبه‌های معارف در این دوره، به‌اندازهٔ کافی به‌شکوفایی دست نیافت (اقبال ۱۳۹۰: ۴۱۷).

اشرف مراغی از شاعران عارف‌مسلك دورهٔ تیموری است که، به‌رغم کثرت اشعارش، کم‌تر نام و نشانی از او در تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات فارسی آمده است.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی مراجع معتبر، نظیر کتاب‌خانه ملی و مجلس و سایت‌های اینترنتی ثبت مقالات و پایان‌نامه‌ها و فهرست‌واره نسخه‌های خطی، گویای این است که تاکنون مجموعه اشعار این شاعر تصحیح و چاپ نشده است. یوسف بیگ‌باباپور منتخبی از غزلیات این شاعر را، براساس نسخه‌ای که در موزه بریتانیا موجود بوده، تصحیح و انتشارات منشور سمیر آن را چاپ کرده است.

نخجوانی در مقاله‌ای، که در نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز منتشر شده، این شاعر و آثارش را شناسانده است. مهم‌ترین مآخذ وی در نوشتن این مقاله، علاوه بر نسخه خطی کلیات اشعار اشرف، عرفات اوحدی بلیانی و ریاض‌الشعرای علی‌قلی خان واله داغستانی است. او در ادامه چند بیت از اشعار اشرف را از گراورهایی که در اختیار داشته نقل کرده است. ماهیت این مقاله موجب شده نویسنده محترم به بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی این اثر نپردازد.

علاوه بر این‌ها، محمدعلی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان در مدخلی با نام «درویش اشرف مراغی» این شاعر را معرفی کرده است. وی نسخه کاملی از کلیات این شاعر را در دست داشته که در دیباچه آن سال کتابت این اثر ۸۵۹ق ثبت شده است. سعید نفیسی نیز در کتاب تاریخ نظم و نثر فقط نام و آثار این شاعر را آورده است. افزون‌بر این، هرمان‌اته در کتاب تاریخ ادبیات خود، ضمن معرفی نظیره‌پردازی‌هایی که از نظامی شده، به هفت‌اورنگ اشرف مراغی اشاره کرده است. در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز مدخلی به‌قلم سیدمحمد سیدی به معرفی اشرف مراغی اختصاص دارد.

۳. معرفی اشرف مراغی و آثارش

۱.۳ نام و نسب شاعر

در تذکره‌های معروف و معتبر به نام اشرف مراغی، باوجود داشتن آثار متعدد، اشاره‌ای نشده و فقط در کتاب عرفات‌العاشقین اوحدی، تذکره ریاض‌العارفین، و تذکره روز روشن اشاره مختصری شده است. یگانه منبعی که در آن بیش از همه به معرفی این شاعر پرداخته شده مقاله استاد نخجوانی است.

نام این شاعر در برخی منابع به صورت «اشرف» و نام پدرش ابوعلی حسین ضبط شده است (مدرس تبریزی ۱۳۷۴: ۱۲۸؛ خیام‌پور ۱۳۷۲: ۶۶؛ آقابزرگ تهرانی ۱۴۰۳: ق: ۷۸؛ نخجوانی، به نقل از تربیت ۱۳۴۳: ۱۲۱).

برخی دیگر از محققان نام این شاعر را «اشرف» ندانسته، بلکه تخلص شعری او را به این نام دانسته‌اند. به همین روی، نام او را حسین و نام پدرش را حسن و کنیهٔ او را ابوعلی دانسته‌اند (مدرس تبریزی ۱۳۷۴: ۱۲۸؛ سیدی ۱۳۶۷: ۴۲؛ نفیسی ۱۳۴۳: ۳۰۹).

طیار مراغی در کتاب میراث شیعه در این باره بحث مستوفایی داشته و، بنابه چهار دلیل، انتساب نام اشرف را به این شاعر رد کرده و آن را اشتباه کاتب نسخهٔ دیوان او دانسته است:

اول، «اشرف» عنوانی است که بیش‌تر به عنوان تخلص شعری به کار می‌رفته تا نام خاص؛ چنان‌که در حدود ۲۵ شاعر و سخن‌ور با تخلص «اشرف» می‌شناسیم و تقریباً کم‌تر کسی را می‌توان یافت که در آن عصر نام خاصش اشرف باشد؛

دوم، در عنوان مذکور، برای پدر اشرف صفات و القابی هم‌چون «الشیخ الامام السعید قدوة ارباب الحدیث» شمرده شده؛ درحالی‌که ما شخصی را که دارای این القاب باشد و مخصوص این‌که «سرکردهٔ اصحاب حدیث» در تاریخ مراغه نمی‌شناسیم ...

سوم، اشرف دو فرزند به نام‌های علاءالدین علی و نظام‌الدین خضر داشته که در دیوانش از آن‌ها یاد کرده و سروده‌هایش را به آن‌ها اهدا کرده است. کنیهٔ «ابوعلی»، که مدعی نسبت آن به خود اشرف هستیم، در لسان عرب از نام فرزند گرفته شده، به پدر اطلاق می‌شود؛

چهارم، محققانی که پس از مرحوم تربیت از اشرف و آثارش نام برده‌اند همین کنیه و نام ابوعلی حسین بن حسن مراغی را برای اشرف ذکر کرده‌اند؛ از آن جمله‌اند مرحوم محمدعلی مدرس خیابانی، مرحوم طاهری شهاب، مرحوم سعید نفیسی، و برخی دیگر (طیار مراغی ۱۳۸۰: ۲۷۲-۲۷۳).

۲.۳ ولادت، زادگاه، و وفات اشرف

تاریخ ولادت اشرف دقیقاً معلوم نیست و «از این سخن‌ور گم‌نام در تذکره‌های معروف از قبیل نصرآبادی و آتشکدهٔ آذر و مجمع‌الفصحاح و غیره نام‌نشانیه به‌نظر نرسیده» (نخجوانی ۱۳۴۳: ۱۲۰). مرحوم تربیت در این باره می‌نویسد: «از سخن‌وران قرن نهم هجری

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۷۹

است. در دیباچه کلیات وی، که در نزد نگارنده موجود و به تاریخ ۸۵۹ق در حیات مؤلف نوشته شده است ...» (تربیت بی‌تا: ۱۴۷). از این سخن چنین برمی‌آید که وی در این سال زنده بوده است. از طرف دیگر، چون اشرف همیشه با شاهزاده پیربوداق‌خان، فرزند جهان‌شاه، بوده و بعد از مرگ او به تبریز آمده، در ۸۵۹ق در قید حیات بوده است.

نویسنده کتاب *صحف/براهیم* تاریخ وفات اشرف را سال ۸۵۴ق ذکر کرده است. اغلب تذکره‌نویسان و مورخان، به تبع او، تاریخ وفات این شاعر را سال ۸۵۴ق نوشته‌اند (نفیسی ۱۳۴۴: ۳۰۹؛ اته ۲۵۳۶: ۸۴). براساس نظر مرحوم تربیت، «چون میرزا پیربوداق در سنه ۸۶۱ق کشته شده و لذا تاریخ منقول در *صحف/براهیم* صحت ندارد یا درویش‌اشرف در بغداد حاضر نبوده و یا در تاریخ فوت او سهو واقع شده»، بنابراین، محتمل است فوت درویش‌اشرف در سنه ۸۶۴ق واقع شده باشد (تربیت بی‌تا: ۱۴۷). علاوه بر تربیت، آقابزرگ تهرانی و خیام‌پور نیز سال وفات اشرف را ۸۶۴ق ذکر کرده‌اند (آقابزرگ تهرانی ۱۴۰۳ق: ۷۸؛ خیام‌پور ۱۳۷۲: ۶۶).

دولت‌آبادی بر آن است که فوت اشرف در ۸۷۴ق اتفاق افتاده است (دولت‌آبادی ۱۳۷۷: ۸۸۱).

زادگاه اشرف، برحسب انتساب او به مراغه، که در تذکره‌ها و منابع مرتبط با این شاعر «مراغی» ثبت شده، مراغه است (نخجوانی ۱۳۴۳: ۱۲۰؛ خیام‌پور ۱۳۶۸: ۶۶؛ نفیسی ۱۳۴۴: ۳۰۹).

هرمان اته، به دلیل حیات اشرف در زمان سلطان‌شاهرخ در هرات، وی را «اشرف هراتی» نامیده است (اته ۲۵۳۶: ۸۴).

در منابع دیگر اشرف را به «خیابان»، محله‌ای در تبریز، منسوب کرده و از او با نام «اشرف خیابانی» یاد کرده‌اند (تربیت بی‌تا: ۱۴۷؛ آقابزرگ تهرانی ۱۴۰۳ق؛ طیار مراغی ۱۳۸۰: ۲۸۰).

۳.۳ معاصران اشرف

اشرف سال‌ها با پیربوداق، از شاهزادگان قراقویونلو و فرزند جهان‌شاه‌خان پادشاه، هم‌راه و هم‌نشین بوده؛ به گونه‌ای که بعد از کشته‌شدن این شاهزاده، اشرف به تبریز آمده و گوشه‌نشینی اختیار کرده است. باوجود این دوستی و مودت، اشرف نامی از وی در دیوان

خود نیاورده است (صحف/براهیم، به نقل از تربیت بی‌تا: ۱۴۷؛ نخجوانی ۱۳۴۳: ۱۲۱؛ سیدی ۱۳۶۷: ۴۲؛ دولت‌آبادی ۱۳۷۷: ۸۱).

نفیزی این شاعر را معاصر بایسنقر و پسرش، سلطان‌محمد، دانسته است (نفیزی ۱۳۴۴: ۳۰۹). علاوه بر این شاهان و شاهزادگان تیموری، از دیگر معاصران اشرف می‌توان نظام‌الدین قاری و شاه‌نعمت‌الله ولی را نیز نام برد (سیدی ۱۳۶۷: ۴۲).

۴.۳ خلق و خوی اشرف

اشرف شاعری درویش و صوفی مسلک و منسوب به فرقه نعمت‌اللهی بوده و به همین روی «درویش» نیز نامیده شده است (همان ۱۳۶۷: ۴۲). اوحدی بلیانی در معرفی او این‌گونه نوشته است: «درویش اشرف از شعرای صاحب‌فطرت و از فقرای صاحب‌حالت است. مجرد، مستغنی، بی‌نیاز، سنجیده، خوش‌فهم، و گوشه‌نشین بوده» (اوحدی ۱۳۸۹: ۴۶۹). مرحوم تربیت باز به نقل از همین مؤلف می‌نویسد: «اشرف خیابانی مردی درویش، نمدپوش، قورجوق‌پیچ بوده، به مردم کم‌آمیختی و تتبع خمسه کرده است» (تربیت بی‌تا: ۱۴۷). صبا در تذکره روز روشن اشرف را این‌گونه معرفی کرده است: «اشرف درویش قاطع تعلق از بیگانه و خویش بود» (صبا ۱۳۴۳: ۵۲). اشرف، بعد از مرگ پیربوداق، از بغداد به تبریز آمده و گوشه‌نشین شده و احتمالاً همین گوشه‌گیری از خلق موجب شده او گم‌نام بماند.

۵.۳ مذهب اشرف

از خلال اشعار اشرف چنین برمی‌آید که مذهب اشرف تشیع بوده است. علاوه بر این، دلیل دیگر شیعه‌بودن اشرف مراغی این است که او از پی‌روان طریقت نعمت‌اللهی بوده (سیدی ۱۳۶۷: ۴۲) و این فرقه از شعبه‌های تصوف شیعی است. اشرف در قصیده‌ای که به مدح ائمه (ع) پرداخته نام دوازده امام را به ترتیب آورده که بر پی‌روی او از آیین تشیع اثنی‌عشری دلالت دارد:

ای دل چو شد هدایت و توفیق راهبر	کز بعد مصطفی به علی کردی اقتدا ...
تا هر زمان فتوح دگر رو نمایندت	بعد از علی به جاه حسن التجا نما ...
سرّ حسن ز سینه پاک حسین جو	بعد از حسن حسین بود شاه و مقتدی ...
دانی که نقد معنی زین‌العباد کیست	یا کیست پیروی را از بعد او سزا ...

باقر که چون نبی و ولی بی‌نظیر بود
خواهی شناوری کنی اندر محیط فیض
معنی صادق از دل کاظم ظهر کرد
از بعد کاظم آنک رضا شد امام او
بعد از تقی علی نقی را امام دان
ذوق نقی طلب مکن آلا ز عسکری
ختم ائمه، مهدی صاحب‌زمان، شناس

در علم و در فراست و در حلم و در حیا ...
از صدق دل به جعفر صادق شو آشنا ...
در راه مهر کاظم اگر مؤمنی درآ ...
یاور نگشت یک قدم از راه اهتدا ...
در راه دین، که شرط اقامت بود بقا ...
شیرینی از عسل بطلب نور از ذکا ...
که اهل زمانه را همگی اوست ملتجا ...

(اشرف مراغی فا: ۱۷)

۶.۳ آثار اشرف

اشرف شاعری پُرکار بوده و در قالب‌های مختلف شعر از قبیل قصیده، غزل، قطعه، رباعی، و مثنوی شعر سروده است؛ به‌گونه‌ای که اشعار او را دوبرابر خمسۀ نظامی دانسته‌اند (تربیت بی‌تا: ۱۴۷). آثار به‌دست‌آمده از اشرف عبارت‌اند از:

۱.۶.۳ مثنوی‌های پنج‌گانه که در مقابل پنج‌گنج نظامی سروده شده و مشتمل بر پنج مثنوی است:

مثنوی اول: *منهج‌الابرار*، که به تقلید از *مخزن‌الاسرار* نظامی در ۸۳۲ ق سروده شده و آغاز آن با این بیت است:

بسم الله الرحمن الرحيم هست سرآغاز کتاب کریم

مثنوی دوم: *خسرو و شیرین* است که در ۸۳۶ ق تمام کرده و به *ریاض‌العاشقین* موسوم است و اولین بیت آن این است:

خداوندا، ره بهبود بنمای نقاب از چهره مقصود بگشای

مثنوی سوم: *حکایت لیلی و مجنون* است، که در ۸۴۲ ق به‌نظم کشیده و مطلع آن این است:

ای دل ز تو دیده روشنایی وز تو به تو کرده آشنایی

مثنوی چهارم: به‌نام *هفت‌اورنگ* و *عشق‌نامه* موصوف است و نظیره‌گویی هفت‌پیکر نظامی است و نخستین بیت آن این است:

ای زمین‌گستر و زمان‌آرای وی جهان‌پرور جهان‌پیرای

مثنوی پنجم: ظفرنامه است که در ۸۴۸ق به‌تمام رسیده و بیت اول آن این است:

خدایا، تویی پادشاه همه خداوندی تو پناه همه

(نخجوانی ۱۳۴۳: ۱۲۱-۱۲۲)

نصرالله مبشری طرازی در کتاب فهرست المخطوطات الفارسیه (فهرست کتب خطی فارسی در مصر) از پنج مثنوی اشرف این‌گونه نام برده است:
خمسه اشرفیه، سروده اشرف، از پنج مثنوی تشکیل شده است. مثنوی اول منهج‌الابرار است، اول آن:

خدایا، تویی پادشاه همه خداوندی تو پناه همه ... الخ

این نسخه خطی مجلد و جدول‌دار و آراسته و تزیین‌شده با طلا و رنگ‌های مختلف با قلم فارسی زیبایی است که در آخر ذی‌القعدة ۸۸۵ق در ۲۷۶ ورق هفده‌سطری در ابعاد ۱۶×۲۳ کتابت و در آن نقاشی‌های رنگینی کشیده شده است. هم‌چنین، در آن تقدیم، تأخیر، و نقص است. این نسخه با شماره ۴۳۲۰ س در دارالکتب قاهره نگه‌داری می‌شود (مبشری طرازی ۱۳۸۷: ۱۲۳؛ منزوی ۱۳۴۹: ۲۶۷۱، ۳۲۴۵).

علاوه‌بر این نسخه‌ها، نسخه خطی دیگری از کلیات اشرف در کتاب‌خانهٔ بادلیان (Bodleian) به شماره ۸۷۴ نگه‌داری می‌شود و کتابت آن به سال ۸۶۱ق است.

۲.۶.۳ نظم نثرالآلی

این اثر ترجمهٔ منظوم نثرالآلی، کلمات ارزش‌مند حضرت علی (ع)، است که در قرن ششم نوشته شده و نام نویسنده آن مبهم است. آقابزرگ تهرانی گردآورندهٔ این اثر را امین‌الاسلام فضل بن حسن بن فضل طبرسی (ز ۵۴۸ق) یا علی بن فضل‌الله بن علی راوندی (قرن ششم قمری) می‌داند (آقابزرگ تهرانی، به‌نقل از طیار مراغی ۱۳۸۰: ۲۶۶).

این کتاب مجموعه‌ای از روایات روایت‌شده از امیرالمؤمنین علی، علیه‌السلام، است که به‌ترتیب حروف الفبا و از طریق اول جملات تنظیم شده است. در این رساله ۲۵۸ جملهٔ قصار در ۲۹ باب جمع‌آوری شده و حرف «لام» و «الف لا» نیز یک جمله شمرده شده است و، به‌قول مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، این‌گونه ترتیب و

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۸۳

تنظیم می‌رساند که تاریخ نگارش این رساله پیش از سده ششم هجری نیست
(طیار مراغی ۱۳۸۰: ۲۶۶).

این منظومه در ۲۹ باب براساس حرف آغازی احادیث است. اشرف دلیل سرودن این
اثر را در ابتدای این منظومه این‌چنین بیان کرده است:

... روح «اشرف» ز روح مرتضوی	قابل فیض تازه گشت به نوی
پر شهسوار معرفت بگشود	نظم «نثر اللئالم» فرمود
گفت اشرف تو این در منشور	نظم کن تا شوی مشهور ...

(همان: ۲۸۱)

بیت نخست این منظومه این است:

انت معبودی و انت خَلّاقی دایم‌الملک و دایم‌الباقی

و تاریخ کتابت آن در خاتمه سال ۸۳۸ ق ثبت شده است.

آن زمان کین نگار نعمایی	جلوه‌گر شد ز روی زیبایی
هجرت پاک احمد مختار	هشتصد و سی‌وهشت بود شمار
روز سه‌شنبه از مه رمضان	نوز یک هفته مانده تا پایان

طیار مراغی این نسخه مستقل از کلیات اشعار اشرف را براساس مقابله با دو نسخه
چاپی (چاپ سنگی در ۱۳۱۴ ق و چاپ سربی مؤسسه کوشان‌پور) تصحیح و چاپ کرده
است (طیار مراغی ۱۳۸۰: ۲۷۶).

۳.۶.۳ ترجمه منظوم صد کلمه

اشرف صد کلمه از حضرت علی (ع) را در ۸۳۸ ق با قطعات فارسی ترجمه کرده است
(نخجوانی ۱۳۴۳: ۱۲۱).

«از این منظومه نسخه‌ای در کتاب‌خانه طاهری شهاب (ساری) و نسخه‌ای به
شماره ۷۷۳ در کتاب‌خانه مجلس هست» (منزوی ۱۳۴۹: ۱۷۷۱).

۴.۶.۳ دیوان اشعار اشرف

این دیوان شامل قصاید، مقطعات، غزلیات، رباعیات، و یک ترجیع‌بند است و چهار بخش
دارد: عنوان‌الشباب، خیرالامور، باقیات صالحات، و مجدّدالتجلیات (نفیسی ۱۳۴۴: ۳۰۹؛

نخجوانی ۱۳۴۳: ۱۲۱؛ سیدی ۱۳۶۷: ۴۲). «خود مولانا آن‌ها را به چهار دیوان قسمت کرده و به هر یکی از آن‌ها دیباچه نوشته» (تربیت بی‌تا: ۱۴۷).
از این دیوان چند نسخه در کتاب‌خانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود. تصویر این نسخه‌ها از کتاب‌خانهٔ سلیمانیه با مشخصات ظاهری زیر به دست آمده است.

۱.۴.۶.۳ نسخهٔ اساس

این نسخه در کتاب‌خانهٔ حالت افندی نگهداری می‌شود و کامل‌ترین نسخهٔ دیوان اشرف مراغی است و دربردارندهٔ قصاید، غزلیات، و رباعیات. علاوه‌براین، یک ترجیع‌بند نیز در این دیوان دیده می‌شود. این نسخه، با خطی نسبتاً خوانا و در ۲۹۷ برگ دو صفحه‌ای، تحریر شده و در صفحهٔ آخر سال کتابت آن (۸۴۶ق) ضبط شده است. از این نوشته (مین کُتُب السید محمد اسراری المولوی، ساکن خانقاه غلظه ۱۲۰۷) چنین برمی‌آید که این دیوان اهدایی این فرد باشد. در این پژوهش این نسخه با علامت «حا» مشخص شده است.

۲.۴.۶.۳ نسخه‌بدل اول

این نسخه مربوط به کتاب‌خانهٔ فاتح است و غزلیات و چند تکبیت را شامل می‌شود و ۱۸۷ برگ دارد. تاریخ کتابت این نسخه در پایان این‌گونه ذکر شده است: «تَمَّتْ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ حُسْنِ تَوْفِيقِهِ فِي شَهْرِ سَنَةِ ۸۶۴ أَقْلَ عِبَادِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْبَارِي مُحَمَّدِ خَمَارِي، عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ».
شیوهٔ کتابت این اثر و مختصات رسم‌الخط آن نظیر گذاشتن سه نقطه در زیر حرف «س» مؤید تاریخ مندرج در صفحهٔ آخر این اثر است. نشانهٔ «فا» بیان‌گر این نسخه‌بدل است. بخش عظیمی از غزلیات این نسخه در نسخهٔ حالت افندی موجود نیست. این نسخه سالم بوده و جز در چند مورد معدود، آن هم در حد یک یا چند کلمه افتادگی و خدشه‌دار بودن، در بقیهٔ موارد خواندنی است.

۳.۴.۶.۳ نسخه‌بدل دوم

نسخه متعلق به کتاب‌خانهٔ ایاصوفیاست. این نسخه ده برگ دو صفحه‌ای دارد که با خطی خوانا و زیبا تحریر شده است. در میانهٔ ورق‌های این کتاب در نقشی زیبا این‌گونه نوشته شده است: «انتخاب دیوان مولانا اشرف»، که در واقع منتخبی از غزلیات این شاعر است.

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۸۵

۴.۴.۶.۳ نسخه بدل سوم

این نسخه نسخه موزه بریتانیاست و گزیده‌ای از اشعار اشرف است و شامل ۴۷ غزل. یوسف بیگ‌باباپور آن را تصحیح و چاپ کرده است.

۷.۳ رسم‌الخط نسخه‌های موجود دیوان اشرف مراغی

رسم‌الخط این نسخه‌ها نزدیک به هم بوده و با خطی خوانا تحریر شده‌اند. مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک رسم‌الخط این آثار عبارت‌اند از:

۱.۷.۳ انضمام حرف اضافه «ب» به کلمه بعد از خود

دو قدم بادب زن که تا نسوزندت که در گداز درم دستیار کوره دمست
(اشرف مراغی فا: ۳)

۲.۷.۳ حرف «س» آخر به صورت کشیده با سه نقطه در زیر آن

۳.۷.۳ جابه‌جایی «ا» میانجی با «ی»

۴.۷.۳ جابه‌جایی «ای» نقش‌نمای اضافه با «ء»

۵.۷.۳ نوشتن چهار حرف فارسی «پ، چ، ژ، گ» به اشکال مختلف

چهار حرف فارسی «پ، چ، ژ، گ» در طی قرون مختلف با علامت خاص یا بدون آن نوشته می‌شد؛ در قرن نهم نیز این شیوه مرسوم بوده است (متینی ۱۳۴۷: ۱۴۷-۱۴۹). در دیوان غزلیات اشرف مراغی نیز این کاربرد دیده می‌شود:

۱.۵.۷.۳ حرف «گ»

این حرف در هر دو نسخه فاتح و حالت افندی بدون علامت خاص است:

مرو ز راه بنیرنک و نقش‌بندی نفس که مار را به همه حال در شکمست

(اشرف مراغی فا: ۳)

۲.۵.۷.۳ حرف «ژ»

این حرف در نسخهٔ فاتح همیشه با علامت و در نسخهٔ حالت افندی بدون علامت به‌کار رفته است:

در رهش دیدیم و در پایش نیفکنندیم سر این تحسّر همچنان در خاطر پزمان ماست
(اشرف مراغی حا: ۱۱۰)

رهبری راهدان بجوی که هست چاه در راه و اژدها در چاه
(اشرف مراغی فا: ۱۵۳)

۳.۵.۷.۳ حرف «پ»

حرف «پ» نیز مانند حرف «ژ» در نسخهٔ فاتح با علامت خاص و در نسخهٔ حالت افندی بدون علامت به‌کار رفته است:

نشست و به پهلوی خود داد جایم ز پهلوی او با قمر میزدم دوش
(اشرف مراغی حا: ۲۳)

آن پری‌روی گهی جانب ما روی نکرد استخوان شدم و هم سگ او بوی نکرد
(اشرف مراغی فا: ۵۲)

۴.۵.۷.۳ حرف «چ»

این حرف در هر دو نسخه بدون علامت خاص است.

۶.۷.۳ حذف «ه» غیرملفوظ هنگام اضافه‌شدن به «ها» نشانهٔ جمع

خانه‌ها --- خانها

۷.۷.۳ قرارندادن علامت «مد» بر روی حرف «آ» در اغلب موارد

۸.۷.۳ افزودن «می» و «بی» به فعل و اسم

۴. شاخصه‌های زبانی، فکری، و ادبی کلیات اشرف مراغی

شعر اشرف متأثر از شرایطی است که شاعران قرن نهم با آن مواجه بودند و شاخصه‌های زبانی، ادبی، و فکری او منبعث از همین عوامل است. به‌همین روی، شاخصه‌ای فردی، که بتوان آن را صرفاً مختص وی دانست، در اشعار او دیده نمی‌شود. باوجوداین، در ویژگی‌های مشترک شعر اشرف با شاعران معاصر خود شواهدی تأمل‌کردنی وجود دارد.

۱.۴ شاخصه‌های زبانی

زبان و کارکرد هنری آن از مهم‌ترین عناصری است که به شعر این دوره تشخیص سبکی بخشیده و این ویژگی در دیوان اشرف مشهود است و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱.۱.۴ سادگی و روانی اشعار او

شعر فارسی در قرن نهم بر روی هم متمایل به سادگی و روانی بود. اگرچه بعضی شاعران بر اثر پیروی از قدما یا به سبب تمایل به صنعت‌ها و تکلف‌های شاعرانه به شعر مصنوع روی آوردند، اما این امر عمومیت نداشت (صفا ۱۳۸۸: ۶۸).

بیش‌تر مثنوی‌ها و همه غزل‌ها و غالب قصیده‌ها به زبان ساده روان و گاه نزدیک به زبان محاوره ساخته می‌شد و یکی از سبب‌های سستی برخی از ابیات در این دوره همین نزدیکی به زبان محاوره است (همان: ۶۸).

شعر اشرف شعری ساده و قابل‌درک است و خالی از تعقیدهای لفظی در کلام و معناست. بیان برخی از مفاهیم صوفیانه ایجاب می‌کرد که شاعر از کاربرد زبان مغلط و مبهم پرهیز کند تا هدف غایی از سرودن این اشعار، که انتقال پیام به مخاطب است، برآورده شود.

۲.۱.۴ نزدیک شدن زبان شعری این شاعر به زبان محاوره‌ای و بازاری

زرین‌کوب درباره این خصیصه شعری قرن نهم می‌نویسد:

مقارن این ایام، کساد بازار قصیده‌سرایی، که خود مولود عدم مرکزیت و فقدان وحدت فرمان‌روایی ناشی از فترت ملوک‌الطوایفی بود، شعر را از دربار ملوک و امرا به مجالس عامه و طبقات بورژوا سوق داد و به‌همین سبب غزل و قصه‌های منظوم بزمی، که با ذوق عامه توافقی بیش‌تر داشت، بیش از سایر انواع شعر مورد توجه شد

... از این رو، در طی زمان، شعر به دست عوام افتاد که غالباً، به مجرد ذوق و قریحه، لب به شاعری گشودند و اکثر از لوازم و مقدمات شعر و شاعری، که فی‌المثل در کتاب‌هایی مثل چهارمقاله و قابوسنامه بدان‌ها اشارت رفته بود، عاطل و عاری بودند (زرین کوب ۱۳۸۳: ۳۸۳).

این ویژگی در دیوان اشرف در جای‌جای دیوان او دیده می‌شود، ولی این گرایش به زبان محاوره‌ای به گونه‌ای است که موجب تنزل کلام او نشده است.

اشرف به سر خویش منه پای درین راه رو، یار به دست آر که با یار توان رفت
(اشرف مراغی فا: ۳۸)

کشمت گفت و با رقیب انداخت خواب نیمی دروغ و نیمی راست
(همان)

کاسد شدند حسن‌فروشان و هم‌چنان غوغای عاشقیست بگرد دکان تو
(همان: ۱۲۵)

در هیچ شهر نیست که آوازه تو نیست باور ز مات نیست پیرس از مسافرا
(همان: ۱۳۷)

۳.۱.۴ آفرینش ترکیب‌های نو

این گونه ترکیب‌ها متشکل از اضافات و موصوفات و به شکل مرسوم یا مقلوب است؛ نمونه‌ای از این ترکیب‌هاست:

«رشاشه کرم» (همان: ۲۵)، «اشجار قلم» (همان: ۳۰)، «خام‌سوزان هوا» (همان: ۴۰)،
«سردار عشق» (همان: ۶۱)، «کرشمه آواز» (همان: ۷۱)، «قند مکرر» (همان: ۸۱)، «سیاح خم
زلف» (همان: ۹۱)، «غلوای حیرت» (همان: ۹۷)، «قمار نظر» (همان: ۱۰۰)، «نگار حلوایی»
(همان: ۱۲۳)، «نازنینان معانی» (همان: ۱۵۵).

۴.۱.۴ تداوم به کارگیری واژگان عربی

زبان عربی در ایران هم‌راه با توسعه دین اسلام و ادامه آن در میان ایرانیان نفوذ و تأثیر روزافزون می‌یافت و بنابر همان اصل است که هرچه به دوران‌های اخیر نزدیک‌تر

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۸۹

شویم تأثیر زبان تازی را در زبان فارسی بیش‌تر می‌یابیم. اما به‌واقع در منشآت این عهد [تیموری] حتی در آثار ساده و خالی از تکلف و تصنع میزان به‌کاربردن واژه‌ها و ترکیب‌های تازی بیرون از شمار است و بدتر از همه آن‌که همراه این واژه‌ها و ترکیب‌ها قاعده‌های زبان تازی نیز به پارسی راه یافت و پیداست که این هر دو جریان امری تازه نبود، بلکه ادامه رسمی بود که از حدود قرن ششم آغاز شده و در قرن هفتم و هشتم افزایش یافته و در قرن نهم تندتر از پیش گردیده بود و بعد از آن دوران هم از شتاب بازنايستاد (صفا ۱۳۸۸: ۶۱).

شعر اشرف مراغی نیز، با تبعیت از همین فضای غالب بر زبان این عصر، مملو از واژگان و ترکیبات عربی است. جمع‌های مکسر، شبه‌جمله‌های عربی، و اصطلاحات خاصی که از زبان عربی به فارسی رسوخ کرده در شعر او مشهود است؛ کلمات و ترکیباتی نظیر «دون‌القلتین»، «لامع»، «مناهی»، «قلت استحقاق»، «فی‌الحال»، «علی‌الصباح»، «ذوفنون»، «مافی‌الضمیر»، «خاص‌الخاص»، و «حب‌الوطن».

۵. شاخصه‌های فکری اشرف مراغی

۱.۵ انعکاس اندیشه‌های عرفانی

روحیه شکست‌خورده ایرانیان بعد از حمله‌های ویران‌گر مغولان و فراهم‌شدن زمینه‌های گسترش تصوف و عرفان، با عنایت شاهان، به‌ویژه تیموریان، موجب شد که صوفیان و عارفان مجال بهتری پیدا کنند.

تیمور در حق صوفیه اعتقادی داشت و هر شهری که می‌گشود در خانقاه‌ها و بقعه‌های آن به زیارت مشایخ می‌رفت و آن را مقدمه کامیابی‌ها و پیروزی‌های خویش می‌شناخت و نیز صحبت وی با شیخ‌زین‌الدین ابوبکر تایبادی از همین مقوله بود (زرین‌کوب ۱۳۸۳: ۳۸۰).

وجود شاعران عارف‌مسلک و انعکاس اندیشه‌های عرفانی مؤید این سخن است. نکته مهم در شعر این قبیل شاعران آن است که عرفان مطرح‌شده در اشعار آنان عرفانی است تقلیدی.

شمار اصطلاحات صوفیانه چندان است که هم سبب شده تا اگر اندک تجربه‌های حالی نیز شاعر داشته است در میان خیل غزل‌های مملو از اصطلاحات منظوم تصوف

ابن عربی گم شود. ازدحام این اصطلاحات چندان است که می‌توان [گفت] فرهنگ اصطلاحات و رموز عرفانی مانند «خرابات»، «عشق»، «شراب»، «جام جم»، و ... باعث متکلف‌شدن سخن آنان و فاقد جوش و جذبۀ شاعرانه‌شدن آن شده است (عباسی ۱۳۸۳: ۶۳).

قالب مناسبی که در این دوره برای بیان این اندیشه به‌کار گرفته شد قالب غزل است که

شاید غزل به‌معنی خاص چندان مناسب نیست و آن قسم غزل عبارت است از نظمی مشتمل بر ذکر مطالب و عقاید و آرا و مقامات و حالات اهل سلوک و اصطلاحات صوفیه به‌نحو روشن و آشکار بدون توجه به این‌که مطالب به زبان استعارات و کنایات شاعرانه بیان شود (غنی ۱۳۵۶: ۵۶۲-۵۶۳).

شعر اشرف مراغی نیز انعکاس‌دهنده این نوع عرفان است.

بیان ساده حالات و رموز عرفانی و تفسیر اصطلاحات عرفانی، به‌ویژه بیان وحدت وجود، در جاهای بسیاری از دیوان او نمایان است. وحدت وجود، که از ارکان معنوی تصوف است، از مهم‌ترین مضامین شعری این دوره محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اگر این مضمون را از شعر این دوره سلب کنند، دیگر معنی قابل‌باقی نمی‌ماند (یارشاطر ۱۳۳۴: ۱۶۴).

نزد اشرف این دویی‌ها هیچ نیست نیست عالم را به‌غیر از یک خدا
(اشرف مراغی فا: ۸)

یار یک، حسن یک، تجلی یک به‌جز از یک همه هدر باشد
(اشرف مراغی حا: ۳۶)

همان‌گونه‌که گفته شد، اشرف نیز، مانند سایر اقران خود، در بیان مفاهیم عرفانی از استادان پیشین تقلید کرده؛ به‌گونه‌ای که گاهی این نظیره‌گویی به‌حدی روشن است که با خواندن آن سرچشمه اصلی به‌ذهن متبادر می‌شود.

اصطلاحات عرفانی و رموزی که در کتاب‌های تعلیمی صوفیان قبلاً شرح و بسط شده‌اند در دیوان اشرف به آن‌ها برمی‌خوریم؛ اصطلاحاتی مانند «قبض»، «بسط»، «سماع»، «لطف»، «قهر و نیستی»، «ماجرا»، «تجرید»، «جمع و تفرقه»، «تجلی»، «تجرید»، یا «تفرید». گویی

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۹۱

این شاعران عرفان‌گرای، با انباشتن غزل‌های خویش از فرهنگ عرفانی ابن‌عربی (۵۶۰-۶۳۸ق) و اصطلاحات خاص تصوف او، شعر خویش را به عرفان سنجاق می‌زنند یا عرفان را به شعر خویش. و دیوان‌های ایشان بیش از آن‌که ارزش عرفانی داشته باشد به درد آن می‌خورد که شواهد از آن استخراج شود برای اصطلاحات صوفیه (شفیعی کدکنی ۱۳۷۸: ۵۹-۶۰).

علاوه‌براین، اشرف گاهی توصیفات خود را از طبیعت و محیط اطراف به تعبیرات عرفانی و حکمی پیوند داده است و در این شیوه، مانند ناصر خسرو، توصیفات او صرفاً مادی نیست.

زمان عیش و ایام بهارست	شراب عیش در جام بهارست
چمن را کار بر کام بهارست	جهان پُرشهرت و نام بهارست
گل رنگین دلارام بهارست	جهان با توسنی رام بهارست
بدین خوبی که ارقام بهارست	حقیقت نی ز ایام بهارست
ز صنع صانع حیّ قدیم است	ز جود قادر فرد کریم است ...

(اشرف مراغی حا: ۴۷)

۲.۵ عشق و جلوه‌های آن

عشق و مراتب آن از بن‌مایه‌های اصلی شعر اشرف است و تشخیص خاصی به شعر او، به‌ویژه غزلیاتش، داده است. این عشق منبعث از تجارب شخصی او در تبعیت از فرقه نعمت‌اللهیه است. به‌نظر او، عشق واقعی نیروی کشش به‌سوی مقصد و گشاینده درهای حقایق به روی عاشق است؛ این عشق حقیقی است که به هر چیزی هستی می‌بخشد و بی آن پیر ۱۴۰ ساله طفلی بیش نیست و سینه‌ای که تهی از عشق است دیگر نمی‌توان آن را صدر خواند؛ همان‌گونه که قفس بدون پرنده هیچ ارزشی ندارد.

این عشق حقیقی مرا کشت تا ظن نبری مجاز کشتست

(اشرف مراغی فا: ۲۷)

نشان عشق قدیمست محو کی گردد مگوی چون که صفت‌های عشق بی‌چون است (همان)

- عاشقانی را که به آیین محبت میرند تا دم صور قیامت همه را بستایند
(همان: ۶۰)
- معشوق در نظر او ازلی و در جمال و کمال بی‌همتاست و عاشق باید در برابر او مطیع
محض باشد و در برابر جفاهای او دم فروبندد.
- حسن آن اوست کس را با او چه چاره باشد حسن همه حیbian زواستعاره باشد
(همان: ۷۴)
- اگر جفای تو بیش است و گر وفای تو کم مرا شکایتی از بیش و کم نمی‌آید
(همان: ۶۱)
- آن‌چه موجب زیبایی و دل‌نشینی معشوق است لطیفه‌ای پنهانی است که به «آن» تعبیر
شده است:
- در همه ساده‌رخی شیوهٔ محبوبی نیست هر که آن داشت ز خوبان جهان آن دانست
(همان: ۲۵)
- به عمری می‌شنیدم نکتهٔ آن بدیدم حسن تو آن خود همین است
(همان: ۴۳)
- اشرف به آن شمایل دل برد از تو دلبر خود دل‌بری نباشد آن را که آن نباشد
(همان: ۸۶)

۳.۵ تعلیمی بودن شعر اشرف

پند و موعظه در ادبیات فارسی همواره مطرح بوده است و شاعران بسیاری به این موضوع توجه داشته و در موضوعات مربوط به این موتیف اشعاری سروده‌اند. در شعر صوفیانه این موضوع ملموس‌تر است. اشرف مراغی نیز در این زمینه اشعار بسیاری سروده است؛ موضوعاتی از قبیل رازداری، دوری از مردم‌آزاری، نهی از غرور و فریفته‌شدن به کثرت عبادات، و درویش‌نوازی.

- دل درویش می‌آزار که آزرده شوی هر که آزار کند در سر آزار شود
(اشرف مراغی فا: ۶۳)

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۹۳

بدی مکن که پشیمان و شرمسار شوی اگر شراب خوری، عاقبت خمار شوی
(همان: ۱۶۳)

زهد و نماز و روزه و تسبیح و ذکر و فکر بهر خودست این همه منت به ما منه
(همان: ۱۵۴)

از آن‌جاکه اغلب غزل‌های این شاعران [دوره تیموری] محصول فرایند خودآگاهی و هوشیاری شاعر است و جهت‌گیری پیام نیز متوجه مخاطب است، به‌همین سبب، نقش تعلیمی زبان در غزل‌های آنان برجسته می‌شود و وظیفه زبان برپایه معنی‌داربودن آن و ابزار انتقال معنی استوار است (عباسی ۱۳۸۳: ۶۲).

این خصوصیت را در شعر اشرف، به‌ویژه در غزلیات او، نیز می‌توان دید.

۴.۵ بیزاری از زهد و زاهدان ریایی

تزهّد و زاهدان دروغین، که از قرن‌های قبل در شعر شاعرانی چون حافظ و عبید زاکانی به باد انتقاد گرفته شده بودند، در این دوره نیز هم‌چنان از تیررس انتقادات شاعران درامان نبودند. اشرف در دیوان خود بارها انزجار خود را از این‌گونه زاهدان بروز داده و وجود آن‌ها را مایه عذاب و دردسر دانسته است.

از این زهّاد رسمی در عذابم نه بوی معرفت نی رنگ اسلام
(اشرف مراغی حا: ۱۳۰)

من از زهد گفتم بخندید و گفتا که می نوش و طامات زهّاد مینوش
(همان: ۲۳)

شکم پُرشبّه و آن‌گه عیب رندان فغان زین فاسقان پارسا نام
(همان: ۱۳۰)

او زهد و پارسایی را در صداقت و پاک‌نیتی می‌داند و به‌همین دلیل از این قوم منافق بیزار است.

دل که خالص بود پرده زهدش چه سود قلب سیه بود و رفت مس زراندود شد
(همان: ۷۹)

نیز بنگرید به «شکم پُرشبّه و ...» (همان: ۱۳۰) و «می‌خوارگی زهد ...» (همان: ۷۶).

۵.۵ انتقاد از صوفیان دروغین

اشرف، هم‌چون حافظ و سایر اسلاف خود، علاوه بر پارسایان و زاهدان ریایی، از صوفیان نیز انتقاد کرده است.

منظور او در واقع مستصوفانی است که زیّ صوفیانه را دامی برای صید ساده‌لوحان کرده‌اند.

صوفی به پنج کاسه می خوش دهد به باد ناموس زهد و طاعت پنجاه‌ساله را
(اشرف مراغی فا: ۷)

۶.۵ اعتقاد به بی‌اعتباری دنیا و مافیها

بی‌وفایی دنیا و گذرابودن آن نه تنها در میان شاعران عارف‌مسلك بلکه در میان سایر شاعران و حتی غیرشاعران نیز نکوهش شده است؛ تاجایی که این نکوهش به سب و دشنام کشیده و به‌همین‌روى حضرت علی (ع) فرموده است که «لَاتَسْبُوا الدَّهْرَ وَ ان لِرَبِّکُمْ اَیَّامٌ فِی دَهْرِکُمْ» اشرف نسبت به دنیا خوش‌بین نبوده و آن را غداّی دانسته که عیش او بی‌خمارى نیست و به‌همین‌روى ناپایداری انسان در جهان و جدایی او از جهان به‌واسطه مرگ را عاملی قوی برای دل‌نبستن به دنیا دانسته است:

نیست عالم را وفایی گوش کن کین معانی از بیان عالم است
(اشرف مراغی حا: ۲۴)

نیز:

جهان ای پسر اعتباری ندارد گلی نیست در وی که خاری ندارد
مکن تکیه بر عهد ایام چندین که عهدی چنان استواری ندارد
مشو مست سودای عالم که عالم ندارد میی کو خمارى ندارد

(همان: ۲۴)

نیز:

با دوستان نزاع مدار از برای مال جنگ از برای جیفه دنیا سگان کنند
(همان: ۹۰)

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۹۵

۷.۵ غنیمت شمردن فرصت

یکی از تعالیم پیران طریقت تصوف غنیمت شمردن دم و ابن‌الوقت بودن است؛ این بن‌مایه در شعر اشرف نیز دیده می‌شود:

عیش امروز به فردا م‌فکن باده بنوش که ندانست کسی عاقبت فردا را

(همان: ۶)

دور خوبی گذرانست غنیمت دارش که محال است که امسال دگر بار شود

(همان: ۶۲)

۶. شناخته‌های ادبی

باین‌که ادبیات منظوم دوره تیموریان به سادگی گرایش دارد، برخی شاعران به صنایع لفظی و معنوی تمایل دارند. «این تمایل به صنعت‌پردازی در شعر فارسی امری تازه و منحصر به همین دوره نیست، بلکه باید گفت تصنع برخی از شاعران این عهد یک نوع پیروی از استادان پیشین است» (صفا ۱۳۸۸: ۷۲).

شعر اشرف نیز، به تبعیت از فضای غالب و حاکم بر ادبیات منظوم، شعری ساده و روان و گاهی با برخی صنایع بدیع لفظی یا معنوی با در نظر گرفتن اصول بلاغت است. از مهم‌ترین آرایه‌هایی که در دیوان او بسامد بالایی دارند می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱.۶ تشبیه

تشبیهات در دیوان اشرف غالباً به صورت اضافات تشبیهی و بلیغ و از نوع محسوس و مفرد است.

بود چشمم بدان پیکان غمزه و گر دورم کند صد تیر پرتاب

(اشرف مراغی فا: ۱۱)

تو گنجی و از لب تو ما را دشنام که می‌رسد زکاتست

(همان: ۲۲)

تو شاه عرصه حسن و حریف پاک‌نظر رخی نمای که هستی خویش دربازد

(همان: ۷۰)

۲.۶ استعاره

استعاره‌های به‌کاررفته در این دیوان ساده و زودیب و مسبوق‌به‌سابقه است و درک آن نیاز به وسایط بسیار نیست:

ما چو در پای تو می‌غلطیم ای نخل جوان از وفاداری بما گر سر در آری عیب نیست
(همان: ۱۹)

جان بی‌آرام من آشفتهٔ جانان شدست در هوای آفتابی ذرهٔ رقصان شدست
(همان: ۲۱)

قاصد از قصهٔ من جانب آن شمع طراز می‌رود سوخته و سوخته‌تر می‌آید
(همان: ۶۳)

۳.۶ ارسال‌المثل

به‌کارگیری مثل یکی از شگردهای القا و تفهیم بهتر مفاهیم عرفانی بوده که در برخی متون نظم و نثر عرفانی به‌شکل‌های مختلفی کاربرد داشته است.

در دیوان/شرف این آرایه کاربرد فراوانی داشته و مثل‌ها به زبان‌های فارسی و عربی نقل شده است. این ضرب‌المثل‌ها گاه به‌شکل کامل و گاهی بخش‌هایی از آن‌ها اقتباس شده است، ولی، به‌دلیل شهرت، خواننده به اصل آن‌ها پی می‌برد، مانند نمونه‌های زیر:

۱. گندم از گندم بروید جو ز جو

دینی که هست مزرع مزروع آخرت گندم طمع مدار اگر کشته‌ای شعیر
(اشرف مراغی‌حا: ۱۲)

۲. کلّ اناء یترشحّ فیه

می‌تراود مهر او از سینه‌ام خواننده باشی در مثل کلّ انا
(اشرف مراغی‌فا: ۸)

۳. الوجه عنوان الباطن (رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر)

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۹۷

سرخ‌ی اشک نگر وز دل خون‌گشته می‌پرس مثلی هست که عنوان درون بیرونست
(همان: ۱۳)

۴.۶ جناس

تو مرد دردانه‌ای، زاهد، طریق تو این نیست تو را که خانه‌نشینی بزاد راه چه حاجت
(همان: ۱۵)

اگر وفا کنی و گر جفا، تو می‌دانی به هرچه حکم کنی اختیار من در آن است
(همان: ۲۰)

قدش از راستی و راست‌رویی چون الف در میان جان جا کرد
(همان: ۱۰۲)

گر شکر را نه به شکر تو خورند چاشنی بی‌مزه آید به دهان
(همان: ۱۰۵)

۵.۶ طرد و عکس

در عیار کفه میزان حلمت کاه کوه در شمار کفّ جود بی‌شمارت کوه کاه
(همان: ۲۸)

هرچه آسان بخلافت دشوار هرچه دشوار بلطف‌ت آسان
(همان: ۵)

۶.۶ ایهام

گفتی چیست با تو رقیب، ای حیب من بر خاک آستان تو که با ما راستست
(همان: ۱۹)

تا ز آب دیده من آبگیری کرده تیغ ابروی تو شد بازار تیر از مشتری
(همان)

ندیم خلق شوی تا خوش آمد گویی بهوش باش که اصل ندامت از ندمست
(اشرف مراغی، فا: ۳)

۷.۶ کنایات

از راه رفتن

پا در شکم بودن مار

مرو ز راه بنیرنگ و نقش‌بندی نفس که مار را بهمه حال پای در شکمست
(همان: ۳)

گرد از کله خاستن

گرد از کله‌ای نخاست ما را تا خاک رهت نشد سر ما

(همان: ۸)

ابرو به هم کشیدن

آیین دلبريست ز مردم رمیدنش ابرو بهم کشیدن و از گوشه دیدنش
(همان: ۱۱۱)

۸.۶ تقلید از شاعران پیشین

نظیره‌گویی و تتبع از شاعران پیشین از موضوعات برجستهٔ ادبیات منظوم و منثور قرن نهم است. همین امر موجب شده آثار بسیاری در این زمینه خلق شود. البته، باید به این نکته توجه کرد که تقلید از پیشینیان در طی این قرن مرسوم نبود، بلکه «آنانی که در میان نسل بعد به شعر و شاعری روی آوردند سبکی را اتخاذ کردند که کاملاً نو و جدید بود. آنان حتی به انتقاد از مقلدان استادان کهن پرداختند» (صفا ۱۳۷۹: ۲۱۹).

اشرف مراغی نیز، به تقلید از نظامی، خمسه‌ای سرود که در معرفی آثار وی در ابتدای این مقاله معرفی شد. علاوه‌براین، در کلیات/شعار او ابیاتی به چشم می‌خورد که در شیوهٔ بیان یا مضمون از شاعران پیشین اخذ شده است. مانند

جز عاشقی هنر نبود پیش پیر ما ای بی‌هنر بکوش که صاحب‌هنر شوی
(همان: ۱۷۲)

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۳۹۹

یادآور این بیت حافظ است:

ای بی‌خبر بکوش تا صاحب‌خبر شوی تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
(حافظ شیرازی بی تا: ۳۴۶)

اسرار عشق و رندی بی عشق را نگویند عاقل کجا امانت با خائن سپارد
(اشرف مراغی فا: ۷)

یادآور این بیت حافظ است:

با مدعی مگویند اسرار عشق و مستی تا بی‌خبر بمیرد در درد خودپرستی
(حافظ شیرازی بی تا: ۳۰۲)

علاوه بر ابیات یادشده، اشرف از شاعران دیگری هم‌چون سعدی، مولوی، و خاقانی مضامینی اخذ کرده است (برای دیدن نمونه‌های بیش‌تر، بنگرید به اشرف مراغی فا: ۲۴، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۹، ۵۰، ۵۴، ۵۷، ۶۱، ۶۳، ۷۱، ۸۸، ۸۹، ۹۷، ۱۲۶، ۱۵۳، ۱۵۸، و ...).

۷. نتیجه‌گیری

عصر تیموری در تاریخ ادبیات ایران از حیث کثرت شاعران و آثاری که به‌تقلید از بزرگان پیش از این دوره خلق شده درخور تأمل است. یکی از شاعرانی که از دید تاریخ ادبیات‌نویسان فارسی پنهان مانده ابوعلی حسین اشرف مراغی است. این شاعر پُرکار آثار متعددی در زمینه‌های مختلف عرفانی، تعلیمی، غنایی، و ... از خود برجای گذاشته است. کلیات اشعار، *خمسه اشرفیه* (۱. *منهج‌الابرار*، ۲. *ریاض‌العاشقین*، ۳. *لیلی و مجنون*، ۴. *هفت‌اورنگ*، و ۵. *ظفرنامه*)، و منظومه *نثرالآلی* از آثار اوست.

غزلیات عاشقانه - عارفانه اشرف به‌شکل تعلیمی دربردارنده انبوهی از اصطلاحات عرفانی است. غزلیات اشرف سبک فردی به‌خصوصی ندارد و، درواقع، هم‌چون سایر اقران خود، مضامین شاعران عارف‌مسلك پیش از خود را در قالب ترکیبات و ساختار جدیدی مطرح کرده است.

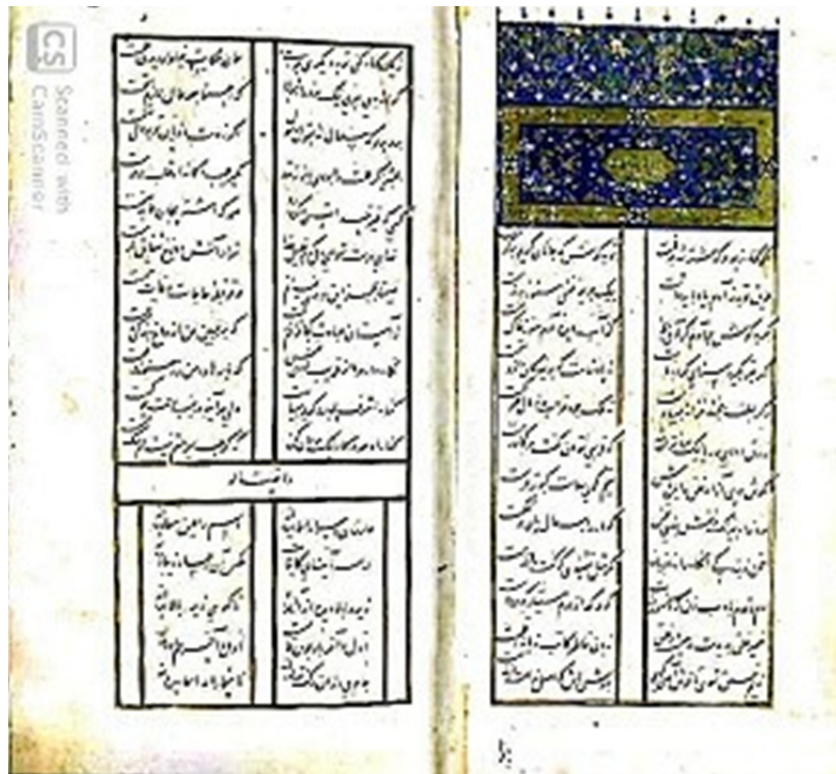
زبان شعری اشرف در همه قالب‌های شعری زبانی ساده و روان است و در کاربرد واژگان عربی و ترکی متعادل است و از نظر ادبی اشعار او بی‌پیرایه و خالی از آرایه‌های ادبی نیست، ولی آرایه‌های به‌کاررفته ساده و زودیاب‌اند. انبوهی از ضرب‌المثل‌ها، که خود

مجموعه زیبایی از فرهنگ عامه منعکس شده در کلیات این شاعر می‌تواند باشد، به این اثر جلوه خاصی بخشیده است. موضوع دیگری که درباره آثار این شاعر باید یادآور شد این است که، با وجود تقلید شاعران این دوره از استادان پیشین، اشرف مقلد صرف نبوده، بلکه با نبوغ شعری خود تغییراتی در شیوه بیان این مضامین به‌وجود آورده است. بیش‌ترین نظیره‌گویی و استقبال او از شاعرانی نظیر نظامی، مولوی، حافظ، سعدی، و استادان دیگر است. اندیشه‌ها و تفکرات منعکس شده شاعر در این اثر منبعث از تعالیم فرقه نعمت‌اللهیه و تفکر شیعی است و نمونه این تفکرات را در مدح ائمه (علیهم‌السلام) و طرح مضامین عرفانی می‌توان دید.

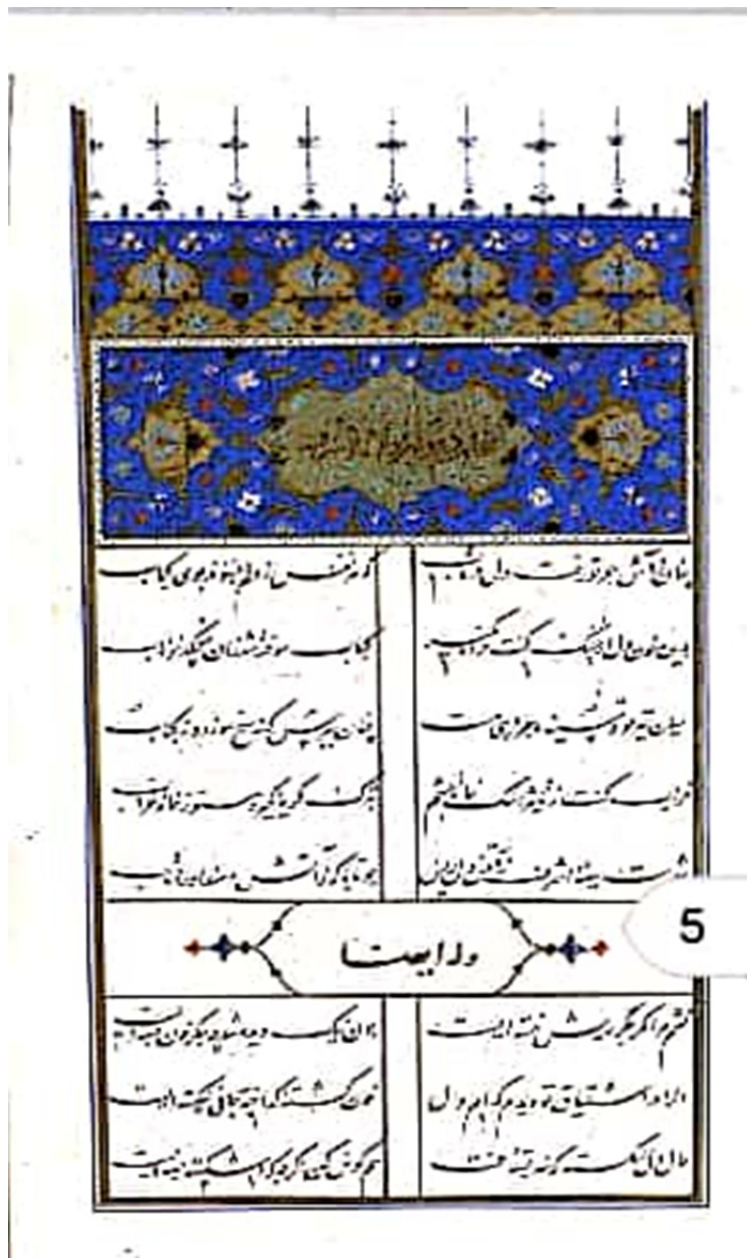
پیوست‌ها

نمونه‌هایی از نسخه‌های اشرف مراغی

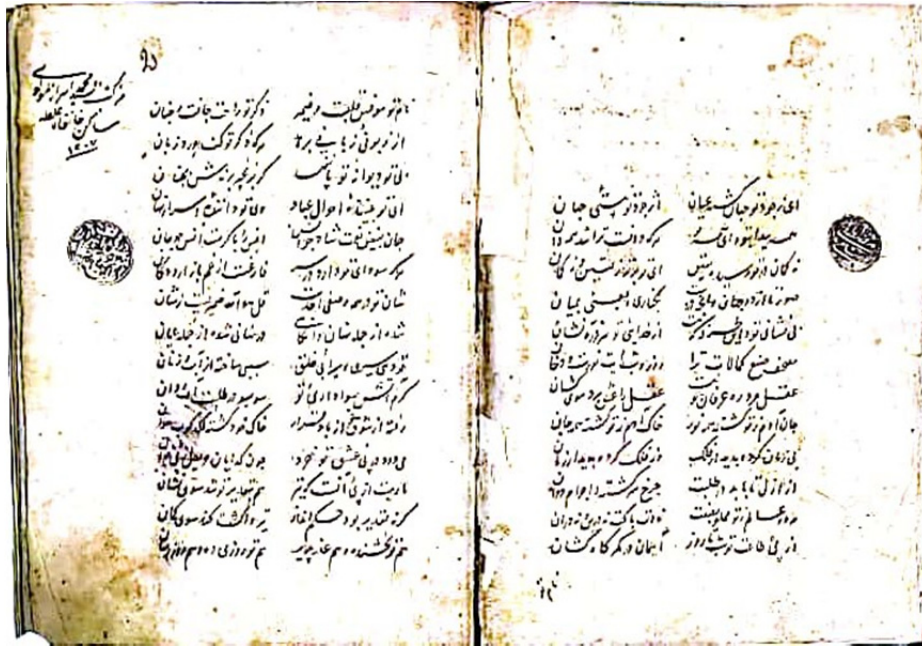
۱. نمونه‌ای از نسخه نگه‌داری شده در کتابخانه فاتح



۲. نمونه‌ای از نسخه نگه‌داری شده در کتاب‌خانه ایاصوفیا



۳. نمونه‌ای از نسخه نگه‌داری شده در کتابخانه حالت افندی



کتاب‌نامه

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، نجف: مکتبه الذریعه العامه. اته، هرمان (۲۵۳۶)، *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشرف مراغی، ابوعلی حسین (۸۶۴ ق)، *دیوان اشرف*، نسخه خطی کتابخانه فاتح، ترکیه: استانبول.
- اشرف مراغی، ابوعلی حسین (بی تا)، *دیوان اشرف*، نسخه خطی متعلق به کتابخانه ایاصوفیا، ترکیه: استانبول.
- اشرف مراغی، ابوعلی حسین (۸۴۷ ق)، *دیوان اشرف*، نسخه خطی متعلق به کتابخانه حالت افندی، ترکیه: استانبول.
- اقبال آشتیانی، عباس و حسن پیرنیا (۱۳۹۰)، *تاریخ مفصل ایران (از آغاز تا پایان سلسله پهلوی)*، تهران: دنیای کتاب.
- اوحدی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹)، *عرفات العاشقین*، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد، تهران: میراث مکتوب.

جست‌وجو در احوال و آثار درویش‌اشرف مراغی ... (علی پدram میرزایی و دیگران) ۴۰۳

- بیگ‌باباپور، یوسف (۱۳۹۳)، *منتخب غزلیات اشرف مراغی*، تهران: منشور سمیر.
- تربیت، محمدعلی (بی‌تا)، *دانشمندان آذربایجان*، تبریز: بنیاد کتاب‌خانه فردوسی.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (بی‌تا)، *دیوان غزلیات*، به‌اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: کتاب‌خانه زوار.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۲)، *فرهنگ سخن‌وران*، تهران: طلایه.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *از گذشته ادبی ایران: مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر*، تهران: سخن.
- سیدی، سیدمحمد (۱۳۶۷)، *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، به‌سرپرستی محمدکاظم موسوی، ذیل مدخل «اشرف مراغی»، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، *زیور پارسی/نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار*، تهران: آگاه.
- صبا، مولوی محمد مظفر حسین (۱۳۴۳)، *تذکره روز روشن*، تصحیح محمدحسن رکن‌آباد آدمیت، تهران: کتاب‌خانه رازی؛ چاپ اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، «ادبیات فارسی در قلمرو تیموریان و ترکمانان»، در: *تاریخ ایران دوره تیموریان*، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۸)، *تاریخ ادبیات ایران*، به‌تلیخیص محمد ترابی، تهران: فردوس.
- طیار مراغی، محمود (۱۳۸۰)، «نظم نثرالآلی»، در: *مجموعه‌مقالات میراث حدیث شیعہ*، به‌کوشش مهدی مهریزی و علی صدرایی خویی، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی و دارالحدیث؛ سازمان چاپ و نشر.
- عباسی، حبیب‌الله (۱۳۸۳)، «قاصر از معنی نو، حرف کهن»، *دوفصل‌نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*، س ۱۲، ش ۴۵-۴۶.
- غلام‌رضایی، محمد (۱۳۸۷)، *سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*، تهران: جامی.
- غنی، قاسم (۱۳۵۶)، *بحث در آثار و افکار و احوال حافظ*، تهران: زوار.
- مبشری طرازی، نصرالله (۱۳۸۷)، *فهرست کتب خطی فارسی در مصر (فهرست المخطوطات الفارسیه)*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل.
- متینی، جلال (۱۳۴۷)، «تحول رسم‌الخط فارسی از قرن ششم تا قرن سیزدهم»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی*، س ۴.
- مدرس تبریزی، میرزاحمدعلی (۱۳۷۴)، *ریحانه‌الادب*، تهران: خیام.
- منزوی، علی‌نقی (۱۳۴۹)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، تهران: مؤسسه فرهنگی - منطقه‌ای.

۴۰۴ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

نخجوانی، حسین (۱۳۴۳)، «اشرف تبریزی»، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، دوره ۱۲، ش ۵۳.

نقیسی، سعید (۱۳۸۶)، تاریخ نظم و نثر در ایران در زبان فارسی: تا پایان قرن دهم هجری، تهران: هرمس.

یارشاطر، احسان (۱۳۳۴)، شعر فارسی در عهد شاهرخ، نیمه اول قرن نهم یا آغاز انحطاط در شعر فارسی، تهران: دانشگاه تهران.